



هانری کرین فلسفه اسلامی را «حکمت نبوی» می‌داند

طاهرزاده با بیان اینکه وحی الهی از عقلانیت لازم برخوردار است و وظیفه اندیشمندان است که بتوانند وجوه عقلانی حکمت الهی را بنمایانند، گفت: هانری کرین فلسفه اسلامی را «حکمت نبوی» می‌داند.

طاهرزاده با بیان اینکه وحی الهی از عقلانیت لازم برخوردار است و وظیفه اندیشمندان است که بتوانند وجوه عقلانی حکمت الهی را بنمایانند، گفت: هانری کرین فلسفه اسلامی را «حکمت نبوی» می‌داند.

به گزارش خبرنگار مهر، اصغر طاهرزاده متولد ۱۳۳۰ است. وی پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۰، در رشته زمین شناسی وارد دانشگاه اصفهان شد و پس از فراغت از دانشگاه در حین اشتغال به کار، مطالعات حوزوی را آغاز نمود و به توصیه شهید بهشتی جهت کمک به تحقق انقلاب اسلامی به استخدام در وزارت آموزش و پرورش درآمد و در کنار آن نیز مطالعات حوزوی را در قم دنبال می‌کرد. در این راستا جلسات تفسیر قرآن و نهج البلاغه و شرح روایات معصومین را طرح ریزی نمود که تاکنون ادامه دارد.

در گفتگوی مکتوب زیر وی به سؤالات ما در خصوص اهمیت فلسفه و چگونگی ورود آن به تمدن اسلامی پاسخ مختصری داده است.

*شایع هست که نهضت ترجمه و خصوصاً ترجمه های فلسفی در دوران حکومت مأمون عباسی برای مقابله با علم امامان انجام گرفت، نظر شما در این رابطه چیست؟

اطلاعات بنده نیز گواه آن است که در جریان نهضت ترجمه، انگیزه زنج و رجوع به یونان و هند و ایران یک انگیزه زنج و قدسی در راستای «اطلبوا العلم و لو بالصین» نبود که بخواهد در بستر تحقیقات اسلامی حرکت کند، بلکه بیشتر نحوه زنج ای از جایگزینی در میان بود و به همین جهت عاملان ترجمه عموماً افراد منکر دیانت و نبوت بودند.

*اندیشمندان خصوصاً فیلسوفان مسلمان چگونه با اختلافات و چالشهای قرآن و علوم خصوصاً فلسفه یونان برخورد کردند و چه راه حلی را اتخاذ کردند؟

شخصیت های مثل فارابی به عنوان مؤسس فلسفه زنج و پیرو آن ابن سینا متوجه شدند می توانند آموزه زنج های دینی را در قالب عقل فلسفی به میان آورند و لذا جایگاه ملائکه به عنوان عامل وحی را توانستند با عقل اول تطبیق دهند و عملاً فلسفه زنج ای با ذوق اسلامی به میان آوردند و این برعکس روش ابن زنج و رشد بود که خواست ممحض در فلسفه زنج و یونان و سبک ارسطویی باشد.

*فیلسوفان و اندیشمندان اسلامی چه اعتباری برای وحی و قرآن قائل بودند و هدفشان از برقراری ارتباط بین عقل و وحی (فلسفه و قرآن) چه بوده است؟

همچنان که عرض شد اساساً در فلسفه زنج یونان جایی برای وحی و تجلی وجود نداشت و این فیلسوف اسلامی است که می تواند با دلائل عقلی نشان دهد که امکان وحی و خاتمیت در میان است.

*کدامیک از فیلسوفان اسلامی، به قرآن و آموزه های وحیانی بیشتر توجه داشته است؟ این رویکرد او آیا باعث ضعف، سستی فلسفه او شد؟

جریانی که با جناب فارابی شروع شد و به طریق جناب شیخ زنج و رئیس به شیخ اشراق رسید که خواست جمع بین عقل و قلب نماید؛ به زنج خوبی به حکمت متعالیه زنج جناب ملاصدرا منتهی شد که در آن عقل آن و زنج چنان به بلوغ خود می رسد که امروز به کمک حکمت متعالیه می توان عموم آموزه زنج های دینی را به صورت عقلانی به جهان عرضه نماید، در آن حد که به زنج خوبی امروزه تفاوت آن هایی که بدون مجهز بودن به عقل صدرا برای تبیین آیات و روایات اقدام می کنند؛ با آن هایی که با فهم حکمت صدرا عمل

می&znj;کنند، روشن است، زیرا مسلم است وحی الهی از عقلانیت لازم برخوردار است و وظیفه&znj; اندیشمندان است که بتوانند وجوه عقلانی حکمت الهی را بنمایانند. به همین جهت جناب پروفیسور هانری کرین فلسفه&znj; اسلامی را «حکمت نبوی» می&znj;داند و آن را از فلسفه&znj; یونانی مجزا می&znj;کند.